



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۹/۰۹/۲۹



مرجان کمال

## تحریک طالبان نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

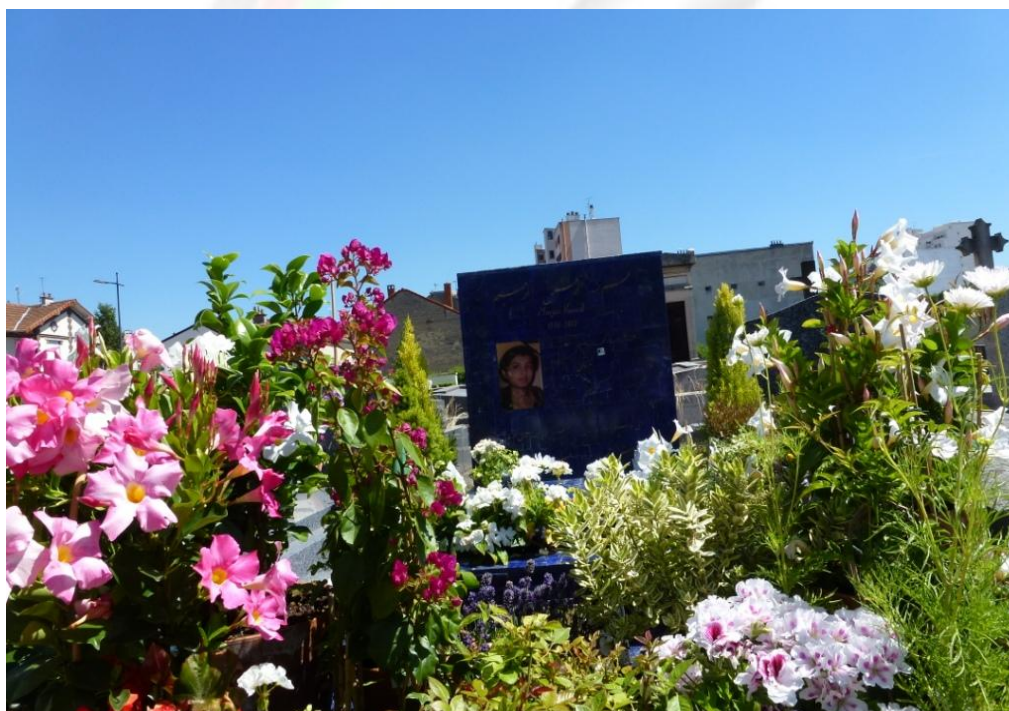
مترجم: فریده نوری

قسمت هفدهم



رفت از بر من آنکه مرا مونس جان بود

دیگر به چه امید در این شهر توان بود



### به ادامه گذشته:

رویدادها برای محققین، تعیین کننده «عملیة تنظیم و اقدامات» که اجازه می دهد «اگر فرصت دست دهد، برای جا به جا ساختن تنظیم دوباره رویدادها و واقعه ها، سخنرانی ها، تفسیر و توضیح دادن ها و مخصوصاً ظهور بازیگران که سخنگویان اند، که تا به حال موجود نبودند» (Claverie, 2003, p. 3).

ارتباط اقتدار مذهبی را همراهی رسوم و عادات سنتی قطع نمود. «برای دادن توضیحات رسوم و عادات را دور بیندازیم و آن را باطل پنداریم و هیچ نوع اهمیت به آن قایل نشویم، در این صورت باید با نظام دنیوی قطع ارتباط نمود، باید با فساد و بی بند و باری مبارزه کرد. اما چگونه؟

با یک حادثه که دفعتاً واقع می شود، مانند یک ضربه روحی و یک انفجار. فلذا در بین استعداد و قدرت و توانایی انسان، فقط حساسیت، احساس رحم و عاطفه است که تقاضای انجام دادن این وظیفه را می نماید.» ( Faavret - Saada )

پدیدار شدن یک ساحه نو اجتماعی به حیث یک دنیای کاملاً خود مختار که امکان ظهور ناگهانی رویداد ها را بلند برده و به احتیاجات و ضرورت های مختلف حوزه یا قلمرو ارتباط می گیرد. برای مشروعیت دادن به اقتدار شان سمبول های قدیم و نو را مخلوط می کنند و ساحه فرهنگی را به یک اوضاع متهیج، عصبانی و خشونت آمیز هویتی مبدل می سازند.

انتخاب ترکیب اعضاء آن برای مشروعیت دادن به رهبری سیاسی، جنبش مذهبیون سرحدی را به یاد می آورد، و به جنبش یک خصوصیت دوباره از سنت ها را می دهد، که کاملاً قانونی ست. با آن هم الحاق و گنجاندن شان در دینامیک فراملتی به حیث یک ایدیولوژی مشخص، رول مهم در نو آوری ایدیولوژیکی جنبش بازی می کند.

بالاخره این جنبش نشان دهنده یک تحریک اجتماعی هویتی ست، که ارزش های محلی را دفاع می کند مگر برخلاف، با استفاده از یک شکل نو استعمال اقتدار بنیادگرایی که در آن جا ساحه سمبولیک و فرهنگی مرکز سیاست شان را تشکیل می دهد.

مظهر شگوفایی، رونق و کامیابی ملا محمد عمر با روی صحنه گذاشتن کار خارق العاده وی بود، که عبارت از پوشیدن خرقة مبارک در شهر قندهار در مقابل یک هیئت بزرگ علما که برای اشتراک در این مراسم دعوت شده بودند. با این عمل خود ملا محمد عمر که عبارت از داخل شدن در محل مقدس و پوشیدن خرقة مبارک، به خود به صفت یک رهبر ساحه مذهبی حق مداخله در ساحه سیاسی را داد.

با به دار آویختن نجیب و برادرش و فرار نهبانان دفتر ملل متحد همراهی قسیم فهمیم، در حقیقت تحریک طالب ها با برقراری این گونه صحنه سازی ها برای رسانه ها و باشندگان کابل نشان دهنده از ارزش های ست که از آن دفاع می کردند:

اولاً نجیب یک چهره خیلی مهم سرکوب کننده و، شکنجه کننده رژیم کمونیستی، در زمانی که رئیس دستگاه جاسوسی خاد بود، می باشد. که این دستگاه مستقیماً با مسکو اتصال داشت.

زمانی که چوکی ریاست جمهوری را تصاحب نمود، خود را در لباس بنیان گذار مصالحه ملی، برای خنثی ساختن مخالفین مسلح داخل اقدامات شد و به واسطه یک ستراتیژی مسلح ساختن، گروپ های محلی (ملیشه سازی)، برای تقویت بخشیدن و نوبت نمودن با اردوی دولتی خلق نمود.

در این مورد برنت روبین (Barnett Rubin) دوره نجیب را چنین تحلیل می کند:

وی برای تفرقه اندازی، و پارچه پارچه نمودن اقوام یک بازیگر فوق العاده جامعه افغان بود، خودش از نظر قومیت پشتون و در پارچه پارچه ساختن رزمندگان مقاومت رول بازی نموده، و یک عامل بزرگ جنگ های داخلی در بین سال های 1992 - 1996 میلادی در کابل بود.

به این ترتیب به قرار جیرارد (A. Girard) به دار آویختن نجیب پیام آور چندین پیغام بود، مانند ختم تعلق داشتن به قومیت به صفت محرک عمل سیاسی، جزا دادن به مسئول جرایم جنگی، جزا دادن به بازی های سیاسی که سبب رقابت ها و تفرقه در بین گروپ های مسلح می گردد.

مانند دیگر خشونت ها به دار آویختن نجیب یک عمل خشونت آمیز تلقی نگردیده، و پیغام یک پدیده خشونت را در بر نداشت.

برعکس تخطی نمودن از مکان دیپلماتیک، یعنی داخل شدن طالب ها در دفتر ملل متحد در کابل سبب مغشوش شدن پیغام که از طرف طالب ها داده شد، گردید.

مشاهده نمودیم، که اعتراضات بزرگ از رژیم ارتباط داده شده به ملا های سرحد، و مشبوع گردیده با پدیده های فراملتی، و افکار پان - اسلامیزم یک دلیل بزرگ این اعتراض ها بودند.



ادامه دارد